



بود که هر کس بتواند یک قطعه از خط میرعماد را دربیانورد پادشاه درخوری خواهد گرفت. شاید همین امر باعث رشد خط در هند گردید، به ویژه آنکه در دوره صفوی و خارج شدن خطاطان معروفی چون میرعلی تبریزی<sup>۲</sup> به همراه همایون و ورود به هند با تحول در خوشنویسی هند روبه رو می شویم. در اینکه آیا خوشنویسی از دوره مغولان هند شروع شده، نظرات دیگری هم وجود دارد. در مورد مینیاتور می توان گفت که این فن توسط پادشاهان تیموری هند و به کمک نقاشان و مصوران ایران که همراه با همایون به هند آمدند گسترش فراوانی یافت و این هنر در دوره جانشینان او، جلال الدین محمد اکبر، نورالدین محمد جهانگیر و شهاب الدین محمد شاه جهان به اوج خود رسید.

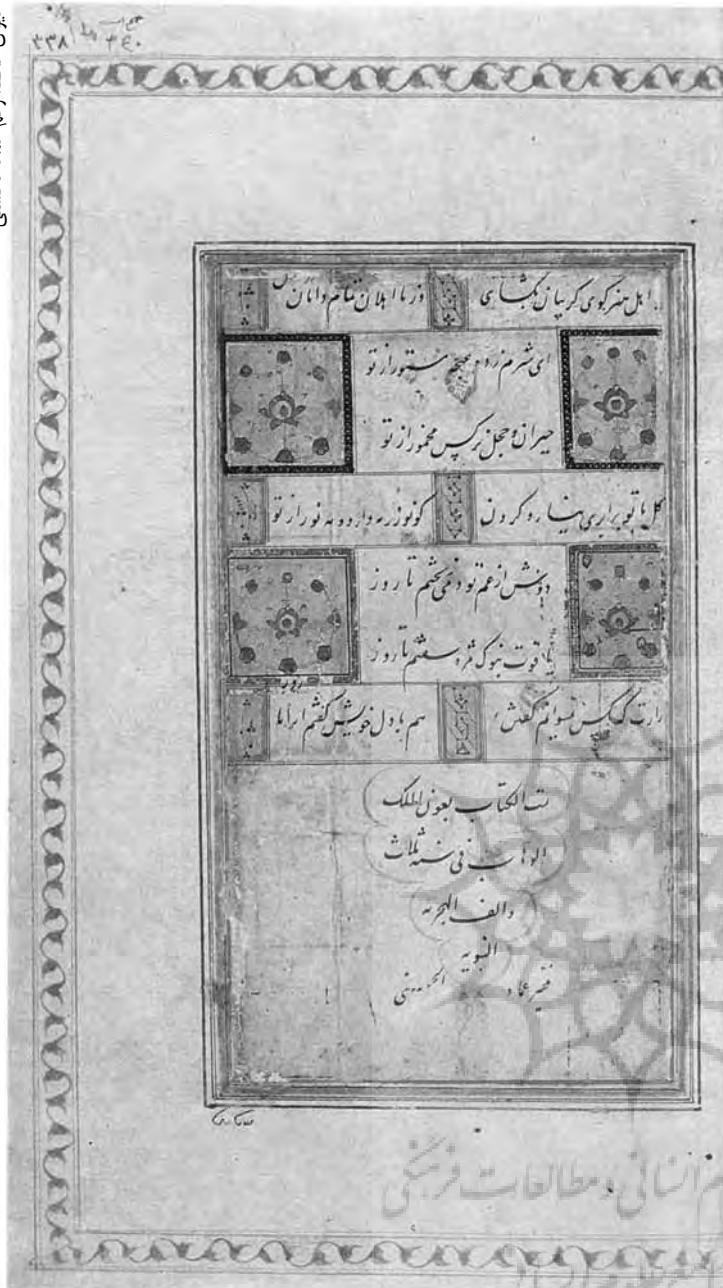
در این باره ضیاء الدین دسائی آورده است که: نظر استادان و نویسندگان تاریخ صنایع ظریفه، به خصوص خوشنویسی که کاملاً رنگ و بوی ایرانی داشته، از دوره مغولان هند آغاز شده است، به طور کلی صحیح نیست.

باید اعتراف کرد که از زمان مغولان و تحت تأثیر هنروران ایرانی، در هندوستان شمالی خوشنویسانی به وجود آمدند که به گفته مرحوم مهدی بیانی باب درخشانی را در تاریخ خوشنویسی اسلامی باز کردند. به نظر چیزی که بیانی در خاطر داشته این است که در آن زمان در سرزمین هند هنروران محلی مانند محمد حسین کشمیری و غیره پیدا شدند که خوشنویسی را پیشه‌ی خود قرار دادند و آثار برجسته‌ای از قلم خود به صورت قطعات و نسخه‌های خوش خط کتب فارسی و کتیبه‌های زیبا به وجود آوردند و مورد تقدیر پادشاهان مغول و امیران ایشان مانند عبدالرحیم خان خاقان و غیره قرار گرفتند. از ایران نیز هنروران بزرگی

زیب النساء می پردازد و کتابدار خاصه سلطنتی می شود. وی پس از مرگ شاه جهان، در دوره اورنگ زیب نیز می زیسته و در هندوستان مقامی والا داشته است. او و بسیاری از خوشنویسان پس از او شیوه میرعماد را پی گرفته اند.<sup>۱</sup>

در کتاب احوال و آثار خوشنویسان به آثار او از جمله یک نسخه خلد برین، یک نسخه ترجمه الصلوة، نسخه‌ای از مقالات خواجه عبدالله انصاری، یک نسخه چهل کلمه، یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا و پنجاه و دو قطعه به قلم‌های مختلف از جلی و خفی موجود در کتابخانه‌های کاخ موزه گلستان، ملک، لنین‌گرا، موزه باستان‌شناسی دهلی و... اشاره شده است.

شاگردان رشیدا همچون خواجه‌سرا، سعیدای اشرف، محمد اشرف میرحاجی و دیگران از خوشنویسان معروف هند به شمار می‌روند. یکی از نکات جالب در این دوره آن است که شاه جهان دستور داده



## تحول خط در هند

# و خوشنویسان ایرانی

رضا سهرابی

مکتب هنری ایران از خود نرمشی نشان می‌دهد که نشانگر سازگاری با اخلاق و فرهنگ خاص ایرانی است و خوشنویسی نیز بیرون از این قاعده نیست. در مقابل در دیگر کشورهای اسلامی شدتی در خط و خوشنویسی دیده می‌شود که به لحاظ استحکام بر آثار ما برتری دارد، اما از سوی دیگر از آن شیرینی و نرمش خبری نیست.

یکی از حوزه‌هایی که در زمینه‌ی کتابت تلاش فراوانی کرده حوزه زبان اردو است؛ تلاشی که سبکی چون هندی یا سبک کشمیری را مطرح گردانید. اما نسخ و ثلثی که در شبه قاره وجود دارد بی‌شک با نسخی که در ایران و عثمانی نگارش می‌شود یکسان نمی‌باشد و اعراب‌گذاری و نوشتن خط متفاوت است. در این رابطه می‌توان دو کشور هند و پاکستان را یکسان نگریست، چرا که سیر تاریخی یکسانی داشته‌اند. بی‌تردید این خط تجلی ذوق و روحیه‌ی یک فرد، یک ملت و حتی روش نگارش است.

در شیوه‌ی خط پاکستانی، نازک نوشتن دور از اعتدال، رویه‌ای رایج بود و خوشنویسان از زبانه و اندازه قلم نیز همواره بزرگتر می‌نوشتند. به دلیل همین شیوه‌ی رسم‌الخط، ترکیب‌بندی ضعیف می‌نمود، چرا که در پایان هر جمله، کلماتی وجود داشت که در انسجام خطوطشان بریدگی پدید می‌آورد. تفاوت میان سبک‌های مختلف نگارش، ناشی از نوع نگاه یک ملت و قوم و برگرفته از ویژگی‌ها و خصوصیات پیچیده‌ای است که در طی قرن‌ها در ذهن و تاریخ ما شکل گرفته است. هند هم در این میان کشوری است بس متنوع با زبان‌های رایج متعدد. با اینکه سابقه‌ی خط عربی و نفوذ آن

در هند به ۱۴۰۰ سال پیش برمی‌گردد، اما رشد خط عربی را می‌توان با ورود غزنویان و سلطان محمود به هند یکی دانست. این سیر تحول خط در هند تا زمان تیموریان، گورکانیان یا مغول‌ها ادامه می‌یابد؛ مغول‌هایی که رساننده‌ی فرهنگ ایرانی بودند. نمونه خط موجود در تاج محل یا قلعه سرخ بر شکوه آن دوره تأکید می‌کند، چنان‌چه می‌توان علاقه و دلبستگی مردم هند به فرهنگ ایرانی را در دوره تیموری و در قضیه میرعماد نیز ملاحظه کرد.

عبدالرشید دیلمی یا رشیدا که در هند آقا رشید و آقا خوانده می‌شد، از خوشنویسان قرن یازدهم هجری قمری و شاگرد میرعماد بوده است. در تذکره‌های چندی از جمله تذکره‌ی خط و خطاطان میرزا حبیب و میرزا سنگلاخ به رشیدا اشاره شده است. در این رابطه دکتر بیانی می‌آورد:

رشیدا مدتی پس از قتل میرعماد به هندوستان رفته و به دربار شاه جهان راه می‌یابد و از ملازمان خاص او می‌گردد و به آموزش دارالشکوه و

عبدالرشید دیلمی یا  
 رشیدا که در هند آقا  
 رشید و آقا خوانده  
 می شد، مدتی پس از قتل  
 میرعماد به هندوستان  
 رفته و به دربار  
 شاه جهان راه می یابد و  
 از ملازمان خاص او  
 می گردد و به آموزش  
 داراشکوه و زیبا النساء  
 می پردازد و کتابخانه  
 خاصه سلطنتی می شود



نظام شاهیان که اکثر آنها پارسی زبان و شیفته‌ی شعر و زبان ایرانی و طرفدار فرقه‌های مختلف صوفیه بودند، هنر ایرانی در هند گسترش فراوانی یافت. به طور مثال شاه احمد ولی بهمنی نسبت به شاه نعمت‌الله ولی کرمانی ارادتی خاص داشته، به نحوی که آرامگاهی برای او در ایران ساخت و بر بقعه‌ی وی کتیبه‌ای سنگی نصب کرد. و پس از شاه نعمت‌الله ولی بود که پسران و نوادگان او به بیدر که مرکز حکومت بهمنی‌ها در هند بود، رهسپار شدند. این حکومت‌ها که تا روی کار آمدن بابری‌های هند برقرار بودند، مأمن و مأوای هنرمندانی شدند که از ایران به هند می‌آمدند. شیفتگی این پادشاهان به حدی بود که بسیاری از آنان به فارسی شعر می‌سروده‌اند، از جمله نظام‌الدین بحری که پایه‌گذار سلسله‌ی نظام شاهی بوده است. نمونه‌ها و آثار خطی موجود روی کاشی در بناهای

تاریخی بیدر قدرت فوق‌العاده‌ی هنر خوشنویسی ایرانی را نشان می‌دهد. از جمله هنرمندان مطرحی چون شکرالله قزوینی که شجره‌نامه‌ی کامل شاه نعمت‌الله را به دستور سلطان احمد شاه ولی بهمنی در بیدر بر روی سنگ و با خطوط کوفی، ثلث و نسخ به صورت طغرا مایل به رنگ‌های طلایی، فیروزه، مروارید سفید و گاه مروارید سیاه مزین کرده است. این کتیبه‌ها که بر دیوارهای مقبره‌ی سلطان احمد شاه دیده می‌شود در حدود سال ۸۴۰ هـ. ق. خوشنویسی شده است.

شیفتگی و علاقه پادشاهان در حکومت‌های مسلمان هند به اینکه اشعارشان به خط خوش آراسته شود، باعث شد که هنرمندان تحت حمایت آنها این زمینه‌ی هنری را گسترش دهند، به ویژه که مدتی بعد با حضور

کتابخانه موجود است.

نفوذ خوشنویسی اسلامی را امروزه می‌توان در کتیبه‌ی خط کوفی در بمپور در سند پاکستان و در گجرات هند دید. همچنین کتیبه‌های خط ثلث مسجد دهلی نمونه‌هایی از خوشنویسی قرون هشتم و نهم و دوازدهم و سیزدهم به شمار می‌روند. اما از آنجایی که روابط ایران نسبت به نقاط هند شمالی پاکستان با دکن که در جنوب و ساحل دریا قرار داشت، بیشتر بوده بنابراین طبیعی است که در این نواحی آثار خوشنویسی ایرانی بیشتری بر بناهای تاریخی دیده شود.

این امر نشانگر نفوذ ایرانیان در دکن و سابقه‌ی گسترده و طولانی آن دارد، چرا که با روی کار آمدن حکومت‌های مسلمان در هند، همچون سلاطین بهمنی، فاروقیان، شاهان کشمیر، عادل شاهیان، قطب شاهیان،



شیفتگی و علاقه پادشاهان در حکومت‌های مسلمان هند به اینکه اشعارشان به خط خوش آراسته شود، باعث شد که هنرمندان تحت حمایت آنها این زمینه‌ی هنری را گسترش دهند، به ویژه که مدتی بعد با حضور خط نستعلیق که جلوه‌گر زیبایی تصاویر نقاشی، معماری و عرفان این سرزمین بود به هنر ایرانیان بیشتر روی آوردند

چون سلطان بایزید دوری هروی ملقب به کاتب الملک، عبدالرحیم هروی عنبرین قلم، عبدالرشید دیلمی معروف به رشید، محمد امین مشهدی و دیگران به دربار تیموریان هند رجوع کردند و فن خوشنویسی و خطاطی در شبه قاره نه تنها تا اواخر دولت مغولان رواج تمام داشته بلکه تا امروز هم ادامه یافته است.

و اینکه: سبب این نظر اشتباهی که اشاره کردیم این است که اطلاعات زیادی درباره‌ی آثار نسخه‌های خوشنویسی از دوره ماقبل مغول به دست نیامده و این موضوع سبب گردیده که نویسندگان تاریخ خوشنویسی در هند به زعم افتادند که خطاطی در دوره قبل از مغول رواجی که مورد توجه باشد نداشته است. علت دیگر این محاکمه‌ی نادرست این است که نزدیک به تمام دانشمندان و نویسندگان، یک ماخذ بسیار

مهمی برای تاریخ خوشنویسی و خطاطی اسلامی هند را که کتیبه‌ها باشد به نظر درنیآورده‌اند.<sup>۳</sup>

از دیگر کسانی که از زمان همایون از ایران رهسپار هند شد می‌توان از میرعبدالصمد شیرازی شیرین قلم نام برد. او خوشنویس و نقاش عهد شاه تهماسب بود که شیراز را ترک و به تبریز رفت. وی به زودی با میر سید علی رابطه‌ی مرید و مرادی یافت. در سال ۱۹۵۵ همراه با میر سید علی و چند تن دیگر به هند رفت و در دربار همایون آنچنان جایگاهی یافت که پس از او جلال‌الدین اکبرشاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴) نیز او را بسیار مورد تفقد قرار داد.

همایون به او لقب شیرین قلم یا شیرین رقم داد و از کسانی است که

شیره نقاشی ایرانی (تبریز) را به هند برد و با ترکیب دو شیوه، مکتب جدید هند را ایجاد کرد. کتاب حمزه‌نامه که دارای ۱۲ جلد و ۱۴۰۰ تصویر است از شاهکارهای هنری این دوره است که توسط او و میر سیدعلی و چند تن دیگر به انجام رسید. در این کتاب ۲۵۲ تصویر از آثار میرسیدعلی وجود دارد. از کارهای او می‌توان به چند اثر زیر اشاره کرد:

- تصویری زیبا از جمشید و همراهان او که در کنار آن حل کاری بسیار زیبایی دیده می‌شود که با تصاویر کوچک پرندگان و خط نستعلیق همراه شده است.

- تصویر مجنون با حیوانات وحشی که در کتابخانه کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شود.

- تصویر مردی با عمامه همراه با اسبی در صحرا که در همان

از دوره سلاطین عادل‌شاهی، که بیجاپور را مرکز خود قرار داده بودند می‌توان از ابوطالب بن قاسم حسینی ملقب به زرین قلم یاد کرد که خط ثلث را بسیار زیبا می‌نوشته است. همچنین می‌توان از جلال شرف‌الدین هروی نام برد که کتیبه‌ای زیبا به خط ثلث و نسخ نوشته است که در ایالت مهاراشتر قرار دارد.

هنرور دیگری که می‌توان از این دوره نام برد، تقی‌الدین نقی حسینی است، که تمامی کتیبه‌های روی مقبره سلطان ابراهیم عادل شاه در بیجاپور که به اسم ابراهیم روضه اشتها دارد به قلم توانای اوست. نمونه‌های خط ثلث او بسیار زیبا است. اگر هنر خطاطی در دکن در دوره عادل شاهیان رونقی داشت در دوره قطب شاهیان به اوج خود رسید. کتیبه‌های بسیاری از کتیبه‌نویسان این دوره اعم از کتیبه‌های سنگی و خطاطی‌های روی کاغذ در گلکنده و حیدرآباد به وجود آمد. هنر خوشنویسی این دوره به ویژه نسخ و نستعلیق از سطح کیفی بالایی بهره می‌برد.

آنچه در مقابر پادشاهان قطب‌شاهی در خارج از حصار گلکنده دیده می‌شود دربردارنده کتیبه‌هایی به خط ثلث بسیار زیباست و بی‌شک هنروران آن ایرانی بوده‌اند. متأسفانه این نمونه‌های خطاطی بر روی بناها دارای امضا نیستند. ضیاء‌الدین دسای از خوشنویسی به نام کلب علی بن محمد صادق و کتیبه‌ای که نام او در آن امضا شده و بر سر لوح قبری منقور است و در اندرون مقبره‌ی سلطان ابراهیم قطب شاه قرار گرفته یاد می‌کند.

قبر، متعلق به سردار ایرانی سلطان عبدالله قطب شاه به نام نیک‌نام‌خان بوده است. و باز هم بنا به گفته‌ی او، عبدالکریم، اولین خوشنویس احتمالاً ایرانی در دوره قطب‌شاهی است، که اطلاعی نیز درباره زاد بوم او در دست نیست. کتیبه‌ی اولین مسجدی که در تختگاه گلکنده ساخته شده به قلم زیبایی او و به خط ثلث است. در زمان سلطان محمد قلی قطب شاه است که خطاطان زیادی از ایران به حیدرآباد رفته‌اند که نمونه‌های خطاطی موجود در لوح‌های قبور دلیلی بر این ادعاست. در وسط شهر حیدرآباد، گورستانی است که به دایره میر مؤمن معروف است و قبر بسیاری از دانشمندان و شاعران ایرانی در آنجا قرار دارد. تقریباً تمام کتیبه‌های موجود بر این قبور که به خط زیبایی نوشته شده حاکمی از درود بر دوازده امام است، اما در هیچ یک از این کتیبه‌ها نام خوشنویس نیامده است. و هم او از خوشنویس دیگری نیز به نام جلال‌الدین محمدبن جمال‌الدین حسین فخار شیرازی نام می‌برد و می‌نویسد که پدر وی نیز خوشنویس بنام ایران بوده است، چنان چه علی راهگیری در کتاب پیدایش خط و خطاطان چاپ تهران، سال ۱۳۴۶ ه. ش از دو کتاب نام برده که در سال‌های ۹۵۰ و ۹۸۰ ه. ق. از قلم او به غایت قشنگ و با اسلوب نگاشته شده است... جلال‌الدین محمد فخار شیرازی خط ثلث اعلی و زیبا و لطیف و متین می‌نوشت و آثار برجسته قلم شیوای خود را بر روی ابنیه‌ی تاریخی شهر حیدرآباد از جمله مسجد جامع به یادگار گذاشته که در میان سال‌های ۱۰۰۲ و ۱۰۰۸ ه. ق. ترقیم یافته است.<sup>۶</sup>

دوره محمد قطب شاه را می‌توان زمینه‌ی مساعدی برای هنرمندان ایرانی دانست. از جمله می‌توان به محمد حسن و عبداللطیف اشاره کرد که وی کتاب روضه‌الابرار را به نسخ و نستعلیق کتابت کرد.

در دوره سلطنت عبدالله قطب شاه، آخرین پادشاه سلسله‌ی قطب‌شاهی بی‌تردید از ممتازترین خوشنویسان این دوره می‌توان از میرمحمد مؤمن شیرازی معروف به عرب شیرازی نام برد. وصلی‌های زیبایی او در مرقع محمد صالح، در حال حاضر در کتابخانه اوقاف استانبول نگهداری می‌شود. از کارهای او قطعه‌ای است در موزه باستان‌شناسی دهلی با رقم و تاریخ «کتبه عرب شیرازی ۱۰۴۱» دیگری قطعه‌ای است از مرقع محمد صالح در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول که خلیل‌الله حسینی از روی خط

عرب شیرازی نقل کرده است و چنین رقم دارد «الکاتبه العبد خلیل الله الحسنی، غفرالله ذنوبه و سترعیوبه، نقله العبد عرب الکاتب».<sup>۷</sup>

او در واقع از خوشنویسان کتابخانه سلطنتی قطب‌شاهی است و به گفته‌ی مؤلف حدیقه‌السلطین قطب‌شاهی هر روز بین هزار تا هزار و پانصد بیت کتابت می‌کرده و در خوشنویسی تزیینی و کتیبه مهارت تمام داشته است. از فرزند او اسمعیل شیرازی، کتیبه‌ای بر جای است که بر روی لوح چوبین نقاری شده و تاریخ ۱۰۷۹ ه. ق. دارد. این کتیبه در مسجدی به نام هیراخانه مسجد، درون حصار گلکنده است.

همچنین کتیبه‌های موجود در بناهای تاریخی این منطقه، معرف تعدادی از خطاطان ایرانی است که از آن میان می‌توان به ابوطالب بن قاسم حسین زرین قلم، جلال‌الدین محمدبن جمال‌الدین حسین الفخار شیرازی مغیث القاری شیرازی و دیگران در قرون پانزده و شانزده میلادی اشاره کرد. در قرون هجدهم و اوایل قرن نوزدهم نیز در حیدرآباد و مناطق دیگر حکمرانانی دیده می‌شوند که مشوق هنرمندان بوده‌اند و همین امر نیز به ترک دیار عده‌ای از خطاطان ایرانی به سمت این مناطق شد که از جمله می‌توان به محمدرضا بن تقی تبریزی و امام قلی شیرازی اشاره کرد. بی‌تردید در قرن نوزدهم خطاطان ایرانی چندی از ایران به ویژه شیراز، به هند مهاجرت کرده‌اند. بمبئی نیز در این قرن یکی از مراکز جذب هنرمندان و ادیبان ایرانی بوده است.

#### پانوشت‌ها:

- ۱- احوال و آثار خوشنویسان. مهدی بیانی، تهران: علمی، ۱۳۶۳.
- ۲- علی تبریزی جواهر رقم که از خوشنویسان تبریز بوده است. وی به همراه پدرش محمد مقیم بن میرشامیر به هندوستان سفر کرده است. روایت است که از جانب عالم‌گیر پادشاه هندوستان به کتابداری خاصه مفتخر شد و در دربار او به شهرت رسیده است. به نقل از میرزا طاهر نصرآبادی در تذکره‌اش، علی تبریزی در مسافرت‌های عالم‌گیر در رکاب او بوده و در اورنگ آباد به سال ۱۰۹۴ درگذشته است. او شعر هم می‌گفته و در نستعلیق شاگرد پدرش بوده که او نیز شاگرد میرعماد بوده است.
- ۳- مجموعه سخنرانی‌های نخستین سمینار پیوستگی‌های فرهنگی ایران و شبه قاره (جلد اول). مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، تهران. ۱۳۷۲. مقاله سیری در تاریخ نفوذ ایران در زمینه خوشنویسی اسلامی هند، ضیاء‌الدین دسای، ص ۴-۲۷۳.
- ۴- همان، ص ۲۷۶.
- ۵- احوال و آثار خوشنویسان. مهدی بیانی، تهران: علمی، ۱۳۶۳.
- ۶- مجموعه سخنرانی‌های نخستین سمینار پیوستگی فرهنگی ایران و شبه قاره (جلد اول)، ص ۲۷۸.
- ۷- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، عباس سرمدی، انتشارات هیرمند، ص ۴۲۲.



خط نستعلیق که جلوه‌گر زیبایی تصاویر نقاشی، معماری و عرفان این سرزمین بود به هنر ایرانیان بیشتر روی آوردند. آوردن متن قرآن به خط ثلث بر روی کاشی از نمونه‌های زیبایی است که خوشنویس ایرانی ملا معیث شیرازی در کتیبه‌ای بر دروازه مقبره‌ی شاه خلیل الله کرمانی در حدود ۸۱۵ هـ. ق نگاشته و شامل دو آیه‌ی قرآنی و امضای خوشنویس است.

علی صوفی از دیگر خوشنویسانی بود که متن قرآن را به خط ثلث بر کاشی‌های آبی رنگ خطاطی می‌نمود.

دسای در مورد او می‌آورد: علی صوفی به ظن غالب وابسته به سرکار وزیر با نام بهمنی‌ها خواجه محمود گاوان گیلانی بوده که تربیت‌کننده بسیاری از دانشمندان و هنروران و شاعران ایرانی بوده است. از مظاهر نمایان نفوذ صنایع ظریفه ایران که به واسطه‌ی هنروران ایرانی در هند شیوع و رواجی یافته است، یکی تهیه و ترتیب و تزئین بر روی کاشی در عمارت‌ها و از جمله کتیبه‌هاست. مدرسه‌ای که خواجه محمود گاوان مزبور در تختگاه بیدر بنیاد نهاده یک نمونه کامل طرز تعمیر اسلامی ایرانی است و در سراسر ساختمان چه در دیوارها، چه مناره‌ها، چه گنبدها، کاشی‌های رنگارنگ زرد و کبود و سفید به کار برده شده است. کتیبه‌ی آن به خط ثلث جلی با حروف در کاشی زردرنگ بر زمینه کاشی کبود رنگ با کمال خوش‌ندامی حروف و تناسب کلمات در حدود سال ۸۷۶ هـ. ق. زیر کنگره سر در این بنای بسیار جالب به طول پانزده متر ترتیب داده شد.<sup>۴</sup> پس از سقوط دولت بهمنی‌ها، نظام شاهیان احمد نگر، قطب شاهیان گلکنده و دیگران که اکثراً آنان نیز شیعی مذهب بودند به حکومت رسیدند

و زمینه‌ی بسیار خوبی برای جلب هنرمندان ایرانی به دربارشان ایجاد کردند.

کتیبه‌های موجود در احمدنگر، قدرت کتیبه‌نویسی را در خط ثلث، نسخ و نستعلیق نشان می‌دهد.

از خطاطانی که در دکن و در دربار نظام شاهیان خوشنویسی می‌کرده عبدالقادر حسینی شیرازی است. او از خوشنویسان قرن دهم هـ. ق. و بنا بر آنچه مهدی بیانی می‌نویسد، شیوه عبدالقادر حسینی شیرازی در نستعلیق همچون سلطان محمد خندان و در خط نسخ، رقا، ریحان و ثلث هم دارای مهارت بوده است. از آثار او همان‌گونه که در احوال و آثار خوشنویسان آمده است یک نسخه صد کلمه حضرت علی بن ابیطالب است که به خط ریحان و ثلث و ترجمه منظوم آن به نستعلیق کتابت شده است. بیانی به دو کتیبه از او که به ثلث و نسخ بسیار زیبا و در سال ۹۹۰ هـ. نوشته شده‌اند اشاره می‌کند. دو کتیبه با رقا، تزئین شده که در پایین این کتیبه‌ها، خطاط نام خود را تراب اقدام امیرالمؤمنین عبدالقادر حسینی ذکر کرده است.<sup>۵</sup>